

رابطه عاشورا و فرهنگ مهدویت

فاطمه غلامی^۱

چکیده:

مقاله حاضر با عنوان رابطه عاشورا و فرهنگ مهدویت، به پیوندهای عاشورا با مهدویت و دلایل این پیوند پرداخته است. عاشورا پیوندی عمیق با مهدویت دارد و حکومت جهانی حضرت مهدی (عج الله تعالی و الشریف) استمرار و ادامه عاشورا است و ایشان منتقم خون جدش اباعبدالله (علیه السلام) می‌باشد. امام مهدی (عج الله تعالی و الشریف) می‌آید تا ندای امام حسین (علیه السلام) و تمام انبیاء و اولیای الهی را پاسخ گوید و پرچم بر جا مانده‌شان را بر دوش گیرد. آنچه موجب شد که به این مسئله پرداخته شود، تبیین رابطه بین قیام امام حسین و فرهنگ انتظار و مهدویت است تا رهروان منتظر به گوش باشند که نهضت مهدوی و حسینی یکی است و لازم است که آمادگی لازم در آنها ایجاد شود و خود را برای ظهور حضرت مهیا کنند.

کلید واژه‌ها: رابطه، عاشورا، فرهنگ، مهدویت.

^۱ - سطح دو، حوزه علمیه فاطمه الزهرا (سلام الله علیها) - شیراز. Qlamishiraz@gmail.com

مقدمه:

از زمان خلقت آدم تاکنون همواره دو جریان حق و باطل به موازات هم پیش رفته و کره خاک هیچ گاه از مصاف این دو خالی نبوده است. پیروان هر یک از حق مداران گذشته، همواره بسترسازان حق گرایان آینده بوده‌اند و حق گرایان آینده تداوم بخشان راه حق پرستان گذشته، وضعیت باطل پیشه‌گان و دورافتادگان از صراط مستقیم نیز بر همین منوال بوده است. در این میان، ارتباط حجت-های الهی در تداوم بخشیدن به مسیر صحیح هدایت و سعادت بشر بسیار عمیق‌تر و محکم‌تر بوده است؛ چرا که هر نبی و ولی الهی با در نظر گرفتن شرایط عصری که در آن به سر می‌برد، راه انبیا و اولیای پس از خود را تداوم می‌بخشد.

در فرهنگ اسلامی ائمه اطهار (علیهم السلام) به عنوان جانشینان پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) همگی نور واحدند و هدف مشترکی را دنبال می‌کنند. وجود هر یک از آنان همانند یک مشعل روشن یا علم سرافراز، مسیر صحیح و کامل هدایت را به بندگان خدا نشان می‌دهند و آنان را از گرفتار شدن به ضلالت و گمراهی باز می‌دارند، با این همه ارتباط و پیوستگی بعضی از آنان با همدیگر از ویژگی و خصوصیتی برخوردار است که از بررسی این گونه از پیوندها می‌توان با مراحل گوناگون چگونگی تداوم مبارزه حق و باطل و سرنوشت نهایی این مبارزات و همین طور با بخشی از ریزه-کاری‌های دقیق سنت‌های الهی و روند تحقق نهایی اهداف حیات بخش انبیا و اولیای الهی آشنا شد. بدون تردید پیوستگی و ارتباط امام حسین (علیه السلام) با آخرین حجت الهی حضرت بقیه الله (عج) الله تعالی و الشریف) بسیار بارز و در خور تعمق است؛ چرا که با بررسی ابعاد مختلف پیوند این دو حجت الهی به خوبی چگونگی فراهم شدن بستر حاکمیت احکام و ارزش‌های الهی در سرتاسر عالم مشخص می‌شود.

۱- مفهوم شناسی

الف- رابطه

هر نوع وابستگی و ارتباط که میان دو یا چند چیز وجود دارد. همچنین تأثیر و نفوذی که یک چیز در دیگری داشته باشد را رابطه می‌گویند.^۱

ب- پیوند

در لغت به معنی خویشاوندی و نزدیکی نسبی و همچنین به عمل فرو بردن شاخه درختی به درخت دیگر گفته می‌شود.^۲

ج- عاشورا

در زبان عربی به معنی دهمین روز ماه است. عاشورا از جمله روزهایی است که نزد مسلمانان و یهودیان اهمیت داشته و دارد. به اعتقاد یهودیان، عاشورا یا «کیپور» روزی است که خداوند در آن، فرعونیان را در رودخانه نیل غرق کرد و حضرت موسی (علیه السلام) و بنی‌اسرائیل را از دست ایشان نجات داد؛ از این رو روز دهم ماه تشرین را که عید کیپور نامیده می‌شود، روزه می‌گیرند و آن را کفاره گوساله پرستی بنی‌اسرائیل می‌دانند. بسیاری از اهل سنت، این روز را روزی مبارک و خجسته می‌دانند و بر این باورند که در این روز خداوند، آدم و حوا را آفریده است؛ لذا روزه گرفتن در این روز را مستحب می‌دانند، ولی در نزد شیعیان این روز به جهت کشته شدن امام حسین (علیه السلام) در آن شوم است لذا این روز را روز حزن و اندوه قرار می‌دهند و در مساجد برای امام حسین (علیه السلام) نوحه سرایی و مرثیه سرایی می‌کنند.^۳

اطلاق کلمه عاشورا بر دهم ماه محرم، پس از به شهادت رسیدن حضرت امام حسین (علیه السلام) و یاران آن حضرت، صورت پذیرفته است. در دوره پیش از اسلام بر دهم ماه محرم، عاشورا نمی‌گفتند. کاروان اباعبدالله (علیه السلام) در روز دوم محرم به کربلا رسید و تا روز عاشورا در آن سرزمین بودند.^۴

۱. شعاری نژاد، فرهنگ علوم رفتاری، ص ۳۴۵.

۲. دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۱۲، ص ۷۹۸-۸۰۲.

۳. جمعی از نویسندگان، از فرات تا فرات، ص ۹۱-۹۲.

۴. عاملی، الصحیح من سیره النبی جامعه مدرسین، ص ۱۰۶.

عاشورا، نماد قیام امام حسین (علیه السلام) و یارانش در مقابل طاغوت‌های زمانه در کربلا است. مراد ما از عاشورا، حیات فکری و سیاسی امام حسین (علیه السلام) به ویژه در مبارزه با جریان کفر و نفاق است. مقصود از رابطه عاشورا و مهدویت، پیوندی است که بیانگر رابطه عمیق حضرت مهدی (عج الله تعالی و الشریف) با امام حسین (علیه السلام) است که در احادیث، دعای ندبه، زیارت عاشورا و زیارت ناحیه مقدسه به این رابطه ناگسستنی اشاره شده است.^۱

د- فرهنگ

فرهنگ یعنی بالا کشیدن و اعتلا بخشیدن.^۲ برخی نیز فرهنگ را به معنای دانش، آموزش و پرورش و نیز آثار ادبی قوم یا ملتی دانسته‌اند.^۳ فرهنگ، مرکب از (فر) که پیشاوند است و (هنگ) که از ریشه تنگ اوستایی به معنی کشیدن و فرهیختن و فرهنگ هر دو مطابق است با ریشه «ادوکا» به معنی کشیدن و نیز به معنی تعلیم و تربیت است و فرهنگ که به معنای دانش و ادب می‌باشد.^۴ معنای اصطلاحی: - مجموعه ساخت، باور، هنر، اخلاقیات، قانون، سنت و ظرفیت‌ها که فرد در جامعه کسب می‌کند. - مجموعه‌ای از شیوه‌های زندگی که برای آموزش از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود.^۵ - شناسه نحوه زندگی است که هر جامعه برای رفع نیازهای اساسی خود اختیار می‌کند.^۶ با توجه به این تعاریف، فرهنگ محصول معنوی مشترک جامعه انسانی است که شامل آداب، رسوم، رفتار و باورها می‌شود که گروهی به آن معتقدند و انجام آن را بر خود لازم می‌دانند و علت برتری جامعه‌ای بر جوامع دیگر نیست.^۷

ه- مهدویت

مهدی اسم مفعول و به معنای هدایت شده است. مهدویت نیز از همین ریشه است. البته گاهی در معنای فاعلی به معنای هدایت کننده نیز به کار می‌رود.^۸ مهدی مشهورترین لقب آن حضرت نزد شیعه و سنی است. مهدوی صفت نسبی است و منسوب به مهدی است مطلقاً، یا منصوب به مهدی

۱. حسینی، سلیمان بن داود، قندوزی، ینابیع الموده، ص ۷.

۲. کاشفی، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۱۸.

۳. دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۳، ص ۲۲۷.

۴. همان، ج ۳۳.

۵. کاشفی، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۱۸.

۶. شایان فر، دایره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، ص ۴۰۱.

۷. حیدری، افغانستان، فرهنگ، تمدن.

۸. تونه‌ای، فرهنگ الفبایی مهدویت پیرامون حضرت مهدی (عج الله تعالی)، ص ۴۱۶.

صاحب الزمان (عج الله تعالی و الشریف) امام دوازدهم شیعیان است.^۱ مهدویت از لحاظ لغوی، مصدر جعلی است که پس از افزودن تایی تأنیث به اسمی که یای نسبت به آن اضافه شده است، ساخته می‌شود. بنابراین مهدویت به معنای مهدی بودن، هدایت شده و رهیافته بودن است. از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که می‌فرماید: «این که امام عصر (عج الله تعالی و الشریف) را مهدی می‌خوانند، به خاطر این که به چیز گمشده‌ای راهنمایی می‌کند و او را قائم می‌نامند برای آن است که به حق قیام می‌فرماید.»^۳

۲- حسین (علیه السلام) و فلسفه انتظار

با توجه به روند آینده نگری مثبت و فلسفه انتظار است که حضرت اباعبدالله (علیه السلام) در صبح عاشورا چند ساعت مانده به شهادت یاران در یک سخنرانی وحی گونه به آینده و تحولات آن می‌پردازد و ره آورد خون‌های اصحاب و یارانش را در کربلا تحلیل می‌کند و بشارت می‌دهد که این خون‌ها هدر نمی‌رود، زنده و جاوید می‌ماند، حرکت‌ها پدید می‌آورد و به ظهور حضرت مهدی (عج الله تعالی و الشریف) می‌انجامد و به عدل جهانی و حکومت جهانی قرآن متصل می‌شود.

«پس بشارت باد شما را، سوگند به خدا اگر امروز ما را بکشند پس همانا ما بر پیامبران وارد می‌شویم و همان جا می‌مانیم تا خدا بخواهد، پس در آخر الزمان، من اول امامی هستم که سر از خاک برمی‌دارم و پس از قائم آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) حکومت جهانی را اداره می‌کنم... در پاکسازی زمین، هر حیوانی را که خدا گوشت او را حرام کرده نابود می‌سازم تا آنکه بر روی زمین جنبنده‌ای جز حیوانات پاکیزه باقی نمی‌مانند.»^۴

جالب این که این سخنان شگفت آور را در مدینه یا در بین راه مکه یا در سخنرانی‌های مکه یا بین راه مکه و کربلا یا در ده روز اقامت در کربلا مطرح نمی‌کند، بلکه در لحظه‌های خون و شهادت و پرواز یاران به سوی خدا و آنگاه که در دو سخنرانی با کوفیان صحبت کرد و آنان را در ریختن خون فرزندان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مصمم دید، مطرح فرمود. چند لحظه قبل از شهادت یاران در صبح عاشورا از آینده جهان و حکومت جهانی حضرت مهدی (عج الله تعالی و الشریف) و سرنوشت

۱. معین، فرهنگ معین، ج ۲، ص ۱۸۶۳.

۲. سلیمانیان، فرهنگ نامه مهدویت، ص ۲۸۲.

۳. مفید، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۲۵۸.

۴. راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۸۴۸. مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۸۱.

حکومت جهانی اسلام پس از امام زمان (عج الله تعالی و الشریف) سخن می‌گوید و با صراحت بشارت می‌دهد که دوران رجعت حق است. از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند:

«پس از ظهور امام زمان (عج الله تعالی و الشریف) و استقرار عدل جهانی، وقتی آن حضرت از دنیا رفت چه خواهد شد؟ و تا قیام قیامت چه کسی حکومت واحد جهانی را اداره خواهد کرد. امام پاسخ داد: اول امامی که سر از خاک برمی‌دارد و برای رهبری جهانی قدرت را به دست می‌گیرد، امام حسین (علیه السلام) است. آن شخص گویا توقع داشت نام مبارک امام علی (علیه السلام) را بشنود، پرسید چرا؟ امام پاسخ داد: برای عظمت و شرافتی که خدا برای خون حسین (علیه السلام) و عاشورا قائل است. اما پس از امام حسین (علیه السلام)، امام علی (علیه السلام) به دنیا باز می‌گردد و دارای عمر طولانی است.»^۲

۳- ضرورت هماهنگی منتظران و انتظار

سؤال مطرح می‌شود در خصوص سخنرانی‌های امام حسین (علیه السلام) پیرامون حکومت امام مهدی (عج الله تعالی و الشریف) و اینکه چرا در مکه، در آن اجتماع حاجیان آماده، از آینده و حکومت عدل جهانی و دوران رجعت و بازگشت خود و دیگر امامان شیعه سخن نمی‌گوید؟ چرا در منازل بین راه مکه تا کربلا، پس از شنیدن خبر شهادت مسلم بن عقیل و دگرگونی مردم کوفه از آینده جهان بحث نفرمود؟ چرا در شب عاشورا که یاران را به بردباری فرا می‌خواند و زنان و خواهران را دلداری می‌داد و شهادت را می‌ستود از آینده و قیام حضرت مهدی (عج الله تعالی و الشریف) و حکومت جهانی خود سخنی به میان نیاورد؟ با بررسی دقیق این سخنان حساس به این نتیجه می‌رسیم که طرح مباحث انتظار و امام منتظر، آمادگی لازم می‌طلبد و باید زمینه‌های مناسبی وجود داشته باشد. باید منتظران واقعی و ایثارگر و آماده شهادت به فلسفه انتظار بیندیشند. باید بین انتظار و منتظران، تناسبی وجود داشته باشد؛ زیرا اگر پیروزی امام زمان (عج الله تعالی و الشریف) بر دنیا به صورت معجز یا دخالت ولایت تکوینی یا جبری باشد، پس آمادگی نیروها لازم نیست، پس شرایط و ویژگی‌های منتظران فایده‌ای ندارد و بسیج نیروها ضرورتی نخواهد داشت.

اگر ظهور جهانی امام زمان (عج الله تعالی و الشریف) زمینه‌های لازم می‌طلبد، تحقق شرایط می‌خواهد، آمادگی جهانی و آمادگی ملت اسلام را، لازم دارد و پس از اعلام ظهور در خانه خدا، احتیاج به سرباز و مردان جنگ جو و کار آزموده دارد و نیروهای فراوانی را می‌خواهد که مکه و مدینه را آزاد کند و سپس عراق را فتح کند، پس به شهادت طلبان خط شکن احتیاج دارد تا همه مرزهای

^۱. دشتی، تهج البلاغه، ص ۱۲۵-۱۲۶.

^۲. ری شهری، میزان الحکمه، ص ۳۳۴.

دشمنان جهانی را فتح کند و از هیچ چیزی نهراسد، پس امکانات گسترده لازم دارد تا با امکانات نظامی دشمنان خود مقابله کند. بنابراین باید آماده بود و باید خودسازی کرد و انواع تمرینات نظامی را گذراند و با انواع سلاح‌ها آشنا بود و آن‌ها را تهیه کرد و به کار گرفت. هر کس نمی‌تواند ادعا کند که منتظر امام زمان (عج الله تعالی و الشریف) است و آمادگی یاری کردن او را دارد، از این رو امام حسین (علیه السلام) هر جا و در میان هر جمعی، بحث انتظار را طرح نفرمود، بلکه در لحظه‌های شهادت فلسفه انتظار را مطرح کرد.^۱

۴- تأثیر عاشورا در زمینه سازی ظهور

ظهور حضرت مهدی (عج الله تعالی و الشریف) و تحقق حاکمیت جهانی اسلام و گسترش عدل و توحید در عالم، مقدمات و شرایطی دارد که بدون حصول آن‌ها، این امر عظیم الهی تحقق نخواهد یافت. از جمله آن شرایط، وجود توده‌های مردمی بیدار و آگاه و برخوردار از ایثار و فداکاری، شعور اجتماعی و فرهنگ متعالی در حدی مطلوب و ایده‌آل است. بایستی مردم دنیا به این حد مطلوب برسند و از لحاظ اخلاق و علم و آگاهی به رشد ایده‌آل دست یافته باشند و بسیج عمومی و جهانی بر ضد پلیدی‌ها صورت گیرد. انگیزه جهانی به سمت پاکی‌ها و خوبی‌ها در آنان ایجاد شود. عاشورا و سالار شهیدان همواره محور انگیزش‌ها، قیام‌ها و بیداری‌های مردم بوده است و هر ساله برد بیشتری در بیداری و هدایت مردم دارد و مراسم عاشورا مهمترین عامل گسترش اسلام در جهان شمرده می‌شود. آذر گفت و گویی که با مایکل برانت یکی از معاونان سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا انجام شده است، با اشاره به جلسات سری مقامات سازمان سیا و نماینده سرویس اطلاعاتی انگلیس آمده است:

«ما به این نتیجه رسیدیم که پیروزی انقلاب اسلامی ایران فقط نتیجه سیاست‌های اشتباه شاه در مقابله با این انقلاب نبوده است، بلکه عوامل دیگری مانند استفاده از فرهنگ شهادت دخیل بوده است که این فرهنگ از هزار و چهارصد سال پیش توسط نوه پیامبر اسلام (صلی آله علیه و آله و سلم)، امام حسین (علیه السلام) به وجود آمده است و هر ساله با عزاداری در ایام محرم این فرهنگ ترویج می‌شود و گسترش می‌یابد.»

«ما تصمیم گرفتیم با حمایت‌های مالی از برخی سخنرانان و مداحان و برگزارکنندگان این گونه مراسم، عقاید و بنیان‌های شیعه و فرهنگ شهادت را سست و متزلزل کنیم.»^۲

۱. دشتی، تهج البلاغه، ص ۱۲۷-۱۲۹.

۲. یوسفیان، پیام «ویژه نامه محرم»، ص ۲۱.

۳. داودی، رستم نژاد، عاشورا، ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها، پیامدها، ص ۶۸-۷۰.

۵- اهداف مشترک عاشورا و مهدویت

الف- مبارزه با جاهلیت

در زیارت اربعین از قول امام صادق (علیه السلام) در توصیف اباعبدالله الحسین (علیه السلام) آمده است: «خدایا سید الشهداء در راه تو خون دل‌ها خورد تا بندگان را از نادانی و سردرگمی و گمراهی، رهایی بخشد.» امام حسین (علیه السلام) به سپاه حربن یزید ریاحی فرمود:

«آگاه باشید که اینها به پیروی از شیطان تن داده‌اند و اطاعت از خدای رحمان را رها کرده‌اند، آشکارا فساد می‌کنند و به حدود الهی عمل نمی‌نمایند، بخشی از بیت المال مسلمین را به خود اختصاص داده‌اند، حرام خدا را حلال و حلال خدا را حرام کردند و من برای تغییر این وضعیت سزاورترم.»^۲

امام صادق (علیه السلام) در این زمینه می‌فرماید:

«همانا قائم ما با جاهلان بسیار سرسخت‌تری نسبت به جاهلانی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در دوران جاهلیت با آن‌ها مواجه بود، روبه رو می‌شود و متحمل رنج و سختی بیشتری خواهد شد. علت این جاهلیت این است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) زمانی برانگیخته شد که مردم سنگ، ها و مجسمه‌های چوبی را می‌پرستیدند اما امام مهدی (عج الله تعالی و الشریف) هنگامی قیام می‌کند که همه مردم برای مقابله با او به تأویل کتاب خدا و احتجاج به آن متوسل می‌شوند»^۳ برخی از مصادیق جهل در عصر غیبت، نشناختن امام زمان (عج الله تعالی و الشریف) می‌باشد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.»^۴ از دیگر مصادیق جاهلیت، بی‌اطلاعی از کتاب خدا است. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در مورد مردم آخرالزمان می‌فرماید: «در آن زمان، گروه‌هایی، قرآن را برای غیر خدا یاد می‌گیرند و قرآن را وسیله‌ای برای آهنگ انتخاب می‌کنند.»^۵ در آخر الزمان دروغ گفتن، رشوه گرفتن، بی‌حجابی و عمل منافی عفت... امری عادی می‌شود و اگر کسی بخواهد امر به معروف نماید، به شدت با او رفتار می‌شود، گویا منکر به معروف تبدیل شده است. همچنین

۱. طوسی، الغیبه، ج ۶، ص ۲۴۵.

۲. کوفی، وقعه الطف، ص ۱۷۲. بحرانی، مدینه معجز الاثمه الاثنی عشر، ص ۲۴۰. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ص ۷۹.

۳. ابن ابی زینب، الغیبه النعمائی، ص ۲۹۷.

۴. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۲۱.

۵. قمی، کنزالدقایق، وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی، ج ۲، ص ۳۰۶.

ارزش‌های دینی به ضد ارزش تبدیل می‌شوند، مثلاً افراد راست‌گو و امانتدار در بین مردم بی‌ارزش شده ولی افراد دروغگو و فریبکار محترم می‌شوند.^۱

امیرالمومنین (علیه السلام) درباره عصر ظهور امام مهدی (عج الله تعالی و الشریف) فرمود:
«در آخر الزمان و نزدیک شدن رستاخیز که بدترین زمان هاست، زنان بدون پوشش و برهنه اند و زینت های خود را آشکار می سازند، به فتنه‌ها داخل می‌شوند و به سوی خواسته های نفسانی شهوانی می‌گرایند. به لذت‌ها می‌شتابند، حرام های الهی را حلال می‌شمارند، اینان در جهنم جاودانه خواهند بود.»^۲

ب- برپایی حکومت اسلامی

یکی از اهداف قیام سیدالشهدا (علیه السلام) تشکیل حکومت اسلامی و احیای ارزش‌های اسلامی بود لذا در صورت پیروزی، حکومت اسلامی با رهبری امام حسین (علیه السلام) تأسیس می‌شد تا در سایه‌ی آن بتوان اهداف اسلام را تحقق بخشید.

امام حسین (علیه السلام) با بیعت نکردن با یزید و قیام علیه او، حکومت او را نامشروع جلوه دادند و در حقیقت درصدد پس‌گیری منصب خلافت برآمدند. اگر چه ایشان در دست گرفتن حکومت را تنها وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف والا و متعالی خود می‌دانستند.^۳ بدون برپایی حکومت، نمی‌توان از احیای معارف و احکام الهی و تحقق عدالت در جامعه سخن گفت. امام حسین (علیه السلام) خود را شایسته منصب حکومت می‌دانست و هنگامی که فرماندار مدینه برای بیعت با او آمد، فرمود:
«کدامیک از ما شایستگی خلافت و بیعت داریم؟»^۴ این موضوع نشان دهنده‌ی شایستگی امام معصوم (علیه السلام) برای تشکیل حکومت اسلامی است. در جایی دیگر فرمود: «ما اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به ولایت و رهبری مردم سزاوارتر از اینها هستیم که به ناحق مدعی این مقام بوده و همیشه راه ظلم و فساد و دشمنی با خدا را در پیش گرفته‌اند.»^۵
امام خمینی (رحمته الله علیه) در تبیین همین هدف می‌فرماید:

۱. حسینی، سلیمان بن ابراهیم، قندوزی، ینابیع الموده، ص ۱۰.

۲. ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۹۰.

۳. جمعی از نویسندگان، از فرات تا فرات، ص ۸۱.

۴. کوفی، وقعه الطف، ص ۸۱.

۵. همان، ص ۱۷۰.

«آن‌هایی که خیال می‌کنند حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) برای حکومت نیامد، خیر» این سخن صحیح نیست»، اینها برای حکومت آمدند، برای این که باید حکومت در دست مثل سیدالشهدا (علیه السلام) باشد و مثل کسانی که شیعه سیدالشهدا، هستند.^۱

اما این واقعیت را سیدالشهدا (علیه السلام) دریافته بود که اکنون زمان حاکمیت امام معصوم نیست چرا که جامعه آن قدر از سنن نبوی (صلی الله علیه و آله و سلم) و فرهنگ قرآنی فاصله گرفته که از اسلام فقط نام و از قرآن فقط رسم آن مانده بود. هدف از تشکیل حکومت مهدوی در آخر الزمان، تحقق آرمان همه انبیاء و هدف نهضت عاشورا است که در آن عدالت برپا گردد، بساط ستم برچیده شود و صالحان فرمانروایان مردم باشند. امام صادق (علیه السلام) فرمود: «این آیه در خصوص امام قائم و اصحابش نازل شده است.»^۲ یعنی خداوند وعده داده که حکومت جهانی از آن حضرت مهدی (عج الله تعالی و الشریف) و اصحابش باشد تا بتوانند با تشکیل حکومت، امنیت و آسایش را به تمام مردم دنیا باز گردانند. حکومت جهانی امام مهدی (عج الله تعالی و الشریف) زمانی شکل می‌گیرد که تمام جهان آمادگی پذیرش و برپایی حکومت حقه الهی را داشته باشند، حکومتی که بر مبنای توحید در سراسر جهان فراهم شود و سبب نابودی کفر و شرک و نفاق در سراسر گیتی شود. در حکومت جهانی مهدوی، یکتاپرستی در تمام عالم فراگیر و ظلم و بی‌عدالتی از چهره جهان برچیده می‌شود.^۴

حکومت و رهبری جامعه از آن پیامبران الهی است نه افراد ظالمی چون معاویه و یزید که خود را متصدی امر خلافت بر مردم می‌دانستند، در حالی که حکومت، مخصوص فرستادگان الهی و افراد صالح است و طاغوت‌ها و حاکمان جور، لیاقت و شایستگی حکومت بر جامعه اسلامی را ندارند.^۵ پیامبرگرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در مورد این آیه می‌فرماید: «زمانی که روز ظهور قائم ما برسد، خداوند متعال مردی از اهل بیت من که اسم او همان من است، برمی‌گزیند تا زمین را از عدل و داد، پر سازد همچنان که از ظلم و جور پر شده است.»^۶ خداوند در قرآن می‌فرماید:

۱. خمینی، صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۳۰.

۲. نور: آیه ۵۵.

۳. ابن ابی زینب، الغیبه النعمانی، ص ۲۴۰.

۴. حسینی، سلیمان بن ابراهیم، قندوزی، ینابیع الموده، ص ۱۴.

۵. انبیاء: آیه ۱۰۵.

۶. اربلی، کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۳۶.

«او خدایی است که رسول خود را با هدایت (قرآن) و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان دنیا

غالب گرداند و (بر حقیقت این سخن) گواهی خدا کافی است.»^۱

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «او امامی است که اسلام را بر همه ادیان پیروز می گرداند و زمین را پر از عدل و داد می کند چنان که پر از ظلم و ستم شده باشد.»^۲ در روایتی از امام باقر (علیه السلام) نیز آمده است: «دولت ما آخرین دولت‌ها است؛ هیچ خاندانی که حکومتی برای آن مقدر شده باشد نیست؛ جز آنکه پیش از او به حکومت می‌رسد؛ تا کسی نگوید اگر ما نیز به قدرت می‌رسیدیم، این چنین رفتار می‌کردیم.»^۳

ج- امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی یکی از مهمترین، سازنده‌ترین و حیاتی‌ترین ارزش‌های اسلامی است که نقش بی‌بدیلی در سالم سازی فرد و جامعه دارد. از نگاه امام علی (علیه السلام) تمامی اعمال و کارها حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر مانند قطره‌ای در مقابل یک دریای بزرگ و پهناور است.^۴ که اگر این فریضه فراموش شود باید منتظر گسترش بسیاری از ناهنجاری‌ها و فسادها در مسائل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بود و ناامنی به یک معطل بزرگ در جامعه تبدیل می‌گردد. خداوند می‌فرماید:

«پس چرا در امم گذشته مردمی با عقل و ایمان وجود نداشت که (خلق را) از فساد و اعمال زشت

نهی کنند مگر عده قلیلی که نجاتشان دادیم، و ستمکاران از پی تعیش به نعمتهای دنیوی رفتند و

مردمی فاسق بدکار بودند.»^۵

و در سوره‌ای دیگر می‌فرماید:

«و همانا ما در میان هر امتی پیغمبری فرستادیم که خدای یکتا را پرستید و از بتان و فرعونان دوری

کنید، پس بعضی مردم را خدا هدایت کرد و بعضی دیگر ضلالت و گمراهی بر آنان حتمی شد، اکنون

۱. «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا» فتح: آیه ۲۸

۲. قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۳۱۷. کوفی، وقعه الطف، ص ۴۸۱.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳.

۴. سید رضی، تهج البلاغه، ص ۵۴۲.

۵. «فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا

أُتْرَفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ» هود: آیه ۱۱۶.

در روی زمین گردش کنید تا بنگرید عاقبت آنان که (انبیاء را) تکذیب کردند به کجا رسید (و آنها چگونه هلاک ابدی شدند)^۱

در حکومت جهانی حضرت مهدی (عج الله تعالی و الشریف) فریضه امر به معروف و نهی از منکر برای احیای ارزش‌ها و هست پذیرای عدالت اجتماعی نقش به سزایی دارد. از امام باقر (علیه السلام) درباره آیه ۴۱ سوره حج سؤال شد ایشان فرمود:

«این آیه درباره حضرت مهدی (عج الله تعالی و الشریف) و اصحابش نازل شده است. خداوند ایشان را مالک مشرق و مغرب زمین می‌گرداند و دین خود را ظاهر می‌سازد و به سبب او و اصحابش بدعت‌ها را می‌میراند، چنان که سفهاء حق را میرانده‌اند تا این که در روی زمین اثری از ظلم دیده نشود، مهدی و اصحابش امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و عاقبت امور برای خدا است.»^۲

د- عدالت اجتماعی

یکی از اهداف قیام امام حسین (علیه السلام) همانند آرمان انبیای الهی، هست پذیرای عدالت بود.^۳ ایشان در نامه‌ای که به مردم کوفه می‌نویسد یکی از اهدافش را جلوگیری از ستم و اجرای عدالت بیان می‌کند و می‌فرماید:

«ای مردم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «هر کس سلطان ستمگری را ببیند که حرام خدا را حلال شمرده و عهد خدا را می‌شکند، خلاف سنت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رفتار می‌کند و در میان بندگان خدا به گناه و ستم عمل می‌کند، ولی او سکوت اختیار کند و نه از راه کردار و نه از راه رفتار، سلطان ستمگر را سرزنش نکند و در مقام انکار و عیب جویی برنیاید، بر خداوند است که مسلمان را به کیفر و سزای همان ستمگر محکوم کند.»^۴

امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام می‌نماید زمین به واسطه نور ایشان روشن می‌شود، ترازوی عدالت را در میان همه‌ی مردم قرار می‌دهد و در سرتاسر جهان هیچ انسانی به دیگری ستم نخواهد کرد.»^۵ امام محمد باقر (علیه السلام) می‌فرماید: «امام قائم (عج الله تعالی و شریف) هنگامی که ظهور نمایند اموال را به طور مساوی تقسیم می‌نمایند

۱. «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» نحل: آیه ۳۶.

۲. قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۸۷.

۳. حدید: آیه ۲۵.

۴. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۵۰۵.

۵. رازی، کفایه الاثر فی النص علی الائمه الاثنی عشر، ص ۲۷۳.

و میان همه مردم نیکو کار و بدکار به عدالت رفتار می‌نماید.»^۱ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید:

«شما را به ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بشارت می‌دهم، او زمین را پر از عدل می‌کند، همان‌گونه که از جور و ستم پر شده است. ساکنان آسمان‌ها و ساکنان زمین، از او راضی می‌شوند و اموال و ثروت‌ها را به طور صحیح تقسیم می‌کند. کسی پرسید معنی صحیح تقسیم ثروت چیست؟ فرمود: به مساوات در بین مردم تقسیم می‌گردد. سپس فرمود: دل‌های پیروان محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را پر از بی‌نیازی می‌کند و عدالتش همه را فرا می‌گیرد تا آنجا که دستور می‌دهد کسی با صدای بلند صدا زند: «هرکس نیاز مالی دارد برخیزد؛ هیچ کس جز یک نفر بر نمی‌خیزد.»^۲

۶- ستیز با بدعت‌ها

بدعت در لغت به معنای چیز نو پیدا و بی‌سابقه، آیین نو و رسم تازه و بدعت گذار یعنی آورنده رسم و آیین تازه است. در اصطلاح بدعت، عبارت است از امری که در دین حادث شده و ریشه‌ای در کتاب و سنت نداشته باشد.^۳ راغب می‌نویسد: «بدعت در مذهب، یعنی وارد کردن سخنی که گوینده و عمل‌کننده‌اش بر روش و سیره صاحب شریعت و مستند بر اصول متقن نباشد.»^۴ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در مورد بدعت گذاران در دین می‌فرماید:

«هر گاه پس از من، اهل شک و بدعت را دیدید، بیزاری خود را از آنها آشکار کنید و به آنها بسیار دشنام دهید و درباره آنها زیاد بدگویی کنید و عیویشان را زیاد بگویید و به آنها تهمت بزنید تا به فساد در اسلام طمع نکنند و مردم را از آنها برحذر دارید و از بدعت‌های آنان نیاموزند. خداوند در برابر این کارهایتان برای شما حسنات می‌نویسد و درجات شما را در آخرت بالا خواهد برد.»^۵

در دوران امامت سالار شهیدان (علیه السلام)، بسیاری از تعالیم نبوی، به فراموشی رفت و امام حسین (علیه السلام) ناگزیر برای احیای دین جدش و مبارزه با بدعت‌ها قیام نمود؛ زیرا یزید آشکارا دست به فساد آلوده بود و جامعه اسلامی را دچار انحطاط و خود را خلیفه مسلمین و جانشین پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌دانست و چنین شخصی قطعاً اگر بر مردم حکومت می‌کرد، تمام ارزش‌های اسلامی از بین می‌رفت. یکی از مهمترین بدعت‌های معاویه، تبدیل خلافت اسلامی به سلطنت، قتل

۱. ابن بابویه، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۶۱.

۲. ابن طاووس، الطرائف، ص ۳۵۱.

۳. مرتضوی، ج ۴، ص ۲۹۹.

۴. راغب اصفهانی، مفردات، ص ۱۱۱.

۵. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۷۵.

عام مسلمین و محبان امام علی (علیه السلام)، مصادره ظالمانه اموال مردم، رشد سرمایه‌داری فرعونی در جامعه، خواندن نماز جمعه در روز چهارشنبه و... نام برد که سالار شهیدان (علیه السلام) برای بی‌اعتبار ساختن اسلام دروغین اموی و احیای اسلام ناب، دست به قیام زد تا با این بدعت‌ها مبارزه و آن‌ها را نابود نماید.^۱ امام مهدی (عج الله تعالی و شریف) همان کاری را که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) انجام داد، انجام می‌دهد. بدعت‌های موجود را بی‌اعتبار خواهد ساخت، چنان که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) اساس جاهلیت را منهدم نمود، آن گاه اسلام را از نو بنا می‌کند.^۲

۷- ستم ستیزی

امام حسین (علیه السلام) از این که در دوران حکومت حاکمان جور و ستم، زندگی می‌کرد، اظهار برائت می‌نمود و می‌فرمود: «مرگ برای من جز سعادت و زندگی با ظالمان جز ذلت نیست.»^۳ همان گونه که امام حسین (علیه السلام) به سب ظلم و فسادگری حکومت و فزونی رنج و اندوه مردم قیام نمود؛ امام مهدی (عج الله تعالی و الشریف) نیز زمانی به پا خواهد خاست که فسق و فجور حکومت‌ها و گروه‌های تأثیرگذار بر جامعه از نهایت بگذرد و بشر در گردابی از بیدادگری‌ها، تبعیض‌ها، انحرافات و... غرق شود. نجات بشر در گرو رفع موانع و بن بست‌ها است و این مهم با نابودی تمام مظاهر فسق و فجور، امکان پذیر است.^۴ امام علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید «به طور حتم، او «مهدی» فرمانروایان ظالم و جائر را برکنار می‌کند و زمین را از لوث گمراه‌کنندگان و خدعه‌کاران، پاک می‌گرداند.»^۵

۸- دلایل پیوند عاشورا و مهدویت

عاشورا در مقطع نهایی دنیای انسانی قرار گرفت و هدف آن، پاسداری و حفظ میراث پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و خون‌خواهی از ستمگران بود در حالی که ظلم و ستم آنان بسیار شده و به حد نهایی انحراف رسیده بود تا آن جا که از مسلمانان خواسته شد که به جای بیعت با امام عادل، با یک طاغوت و ستمگر بیعت کنند. این امر به منزله کودتا و روی گردانی از تمامی میثاق‌ها و پیمان‌ها و ارزش‌ها و اصولی بود که به وسیله پیامبران الهی از زمان آدم (علیه السلام) تا

۱. داودی، رستم نژاد، عاشورا، ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها، پیامدها، ص ۲۰۵-۲۰۰.

۲. نعمائی، ج ۲، ص ۸۷.

۳. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۴۹.

۴. جمعی از نویسندگان، از فرات تا فرات، ص ۸۳.

۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰.

زمان پیامبر بزرگ اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شده بود. در این حال چاره‌ای جز قیام و نهضت پر ارزش و عالی مقام حسینی نبود. امام حسین (علیه السلام) با تمام دارایی‌اش خود را قربانی کرد و با انجام این کار، استحقاق میراث دار و وارث پیامبران و اولیا و صالحان شدن را پیدا کرد و ایشان با عاشورا بر هر پیامبر و ولی بلکه بر هر زن و مرد مؤمنی و بلکه بر هر انسان آزاده‌ای و وجدان هر انسانی حق بزرگی دارد.

اگر این نهضت نبود، انواع انحراف‌ها و ناحق‌ها و باطل‌ها، دنیا را فرا می‌گرفت، معیارهای درست از بین می‌رفت، موازین تغییر می‌کرد، اشخاص پست و فرومایه، قدیس به نظر می‌آمدند، انسان‌های پاک، خوار و ذلیل می‌شدند، حق از میان می‌رفت و باطل طلوع می‌کرد اما نه به نام باطل بلکه به نام حق و مردم پریشان حال و آشفته می‌شدند، بدون آنکه بدانند در راه حقند یا در مسیر باطل و کورکورانه گام برمی‌داشتند. درباره ارتباط میان عاشورا و آخر الزمان یا آن عاشورای بزرگی که امام مهدی (علیه السلام) آن را به وجود می‌آورد، باید گفت که این ارتباط دارای جوانب مختلفی است که از جمله آن‌ها:

الف- هدف واحد

عاشورا، طرحی اصلاح‌گر در امت پیامبر الهی، حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بود. این طرح، طرحی همه‌جانبه بود که از رسالت و دین و ارزش‌ها و سرمشق‌ها و اخلاق، البته نه از جهت اصل شریعت و احکام، بلکه از جهت عمل و پایبندی و نیک‌فرمانبرداری و دوستی، پا را فراتر نهاد و بالاتر رفت. این طرح اصلاحی نهضت حسینی از نزدیک، گوشه گوشه و تمام زوایای دین که دچار شکاف و انحراف شده بود، لمس می‌کرد و در نتیجه مأموریت عاشورای بعدی یعنی نهضت مهدویت، در درجه اول، اصلاح دین اسلام و زندگی مسلمانان است، اما این نهضت منحصر به مسلمانان و دین اسلام نیست بلکه تمامی جهان و جهانیان را در بر خواهد گرفت، با این همه می‌توان گفت هدف‌های نهضت حسینی و نهضت مهدوی با وجود متفاوت بودن در گستردگی و آثار، یکی هستند. در مورد تشابه اهداف دو نهضت نیز باید گفت که عاشورا نقطه عطف تأکید و تأیید برپایی دین و پاسداری از آن و تکیه بر احکام دین و اجرای قوانین و دستورات دینی است. عاشورای بعدی هم مانند آن، نقطه عطف گسترش اسلام و چیرگی آن بر تمام ادیان خواهد بود و این نهضت عاشورایی (نهضت مهدویت) برای آن است که این حقیقت را ثابت کند که اسلام دین کامل و جامع و راه راست و منطقی و حق است.^۱

^۱. نعیم، سیر زمان تا صاحب الزمان (علیه السلام)، ص ۸۸-۹۴.

حضرت امام حسین (علیه السلام) شخصا از تحقق اهداف خود توسط فرزندش حضرت مهدی (عج الله تعالی و الشریف) این گونه خبر می‌دهد: «اگر از عمر دنیا یک روز باقی باشد، خداوند آن روز را چنان طولانی می‌گرداند که مردی از فرزندان من قیام کند و دنیا را پس از آن که از ظلم و ستم پر شده بود، پر از عدل و داد نماید.»^۱ پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز اهداف قیام حضرت مهدی (عج الله تعالی و الشریف) را این گونه بیان می‌کنند: «خداوند از نسل امام حسین (علیه السلام) امامانی را قرار داده است که نهمین آنها قائم اهل بیت من است که پس از ظهور زمین را پر از عدل و قسط می‌کند در حالی که از ظلم و جور پر شده بود.»^۲ امام حسین (علیه السلام) با هدف زنده ساختن احکام قرآن و سنت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و از بین بردن بدعت‌هایی که در نتیجه حاکمیت بنی‌امیه در دین ایجاد شده بود قیام کردند و در طول مسیر مدینه تا کربلا ضمن اشاره به انگیزه قیامشان فرمودند: «من به منظور اصلاح در امت جدم رسول خدا قیام کرده‌ام، می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به همان سیره و شیوه مرسوم جدم پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و پدم علی بن ابی طالب ع عمل می‌کنم.»^۳

آن حضرت در نامه‌ای به بزرگان قبایل بصره تصریح می‌کنند:

«من شما را به کتاب خدا و سنت پیامبرش دعوت می‌کنم. در شرایطی که اکنون ما زندگی می‌کنیم سنت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از بین رفته و به جای آن بدعت و احکام و ارزش‌های غیر اسلامی نشسته است مرا بپذیرید و به یاری من برخیزید. شما را به راه ارشاد و رستگاری هدایت خواهم کرد.»^۴

از مجموعه این گونه از سخنان امام حسین (علیه السلام) اهداف والای نهضت عاشورا به خوبی روشن می‌شود که احیای قرآن، احیای سنت نبوی و سیره علوی، از بین بردن کج روی‌ها، حاکم ساختن حق، حاکمیت بخشیدن به حق پرستان، از بین بردن سلطه استبدادی حکومت ستمگران، تأمین قسط و عدل در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی و... از جمله آن‌ها است. از طرف دیگر وقتی اهداف قیام منجی عالم بشریت و ویژگی‌های حکومت جهانی آن حضرت را مورد بررسی قرار

۱. ابن بابویه صدوق، من لایحضره الفقیه، ص ۳۱۷.

۲. ابن بابویه، صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۲۵۷.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ص ۶.

۴. شریف قرشی، حیا امام الحسین، ج ۲، ص ۲۶۴.

می‌دهیم همین اهداف و انگیزه‌ها حتی با تعابیر مشابه به کار رفته در مورد نهضت حسینی قابل مشاهده است.^۱

امام باقر (علیه السلام) در روایتی می‌فرمایند: «حضرت مهدی (عج الله تعالی و الشریف) تمام بدعت‌های ایجاد شده در دین را در سرتاسر جهان از بین خواهد برد و در مقابل، تک تک سنت‌های نبوی را به اجرا درخواهد آورد.»^۲ آن حضرت در جای دیگر ضمن تصریح به این حقیقت که امام مهدی (عج الله تعالی و الشریف) آیا طبق سیره و روش رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) عمل خواهد کرد درباره اصلاحات انجام شده توسط آن حضرت چنین می‌فرماید:

«قائم آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) به همان شیوه‌ای که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) رفتار می‌کردند رفتار خواهد کرد، آن چه از نشانه و ارزش‌ها و شیوه‌های جاهلیت باقی مانده‌اند از میان برمی‌دارد و پس از ریشه کن کردن بدعت‌ها، احکام اسلام را از نو حاکمیت می‌بخشد.»^۳

امام صادق (علیه السلام) در مورد نوع قضاوت و داوری و برخورد آن حضرت با ظلم و ستم نیز می‌فرمایند:

«چون قائم ما قیام کنند دربین مردم به عدالت داوری خواهند کرد و در زمان او بساط ستم و بیداد از روی زمین جمع خواهد شد و راه‌ها امن شده... و هر صاحب حقی به حق خود دست خواهد یافت و احکام و ارزش‌های حیات بخش دینی در سرتاسر جامعه حاکمیت پیدا خواهد کرد.»

نتیجه آن که علاوه بر مشترک بودن اهداف نهضت عاشورا با قیام امام مهدی (عج الله تعالی و الشریف) در زمان حکومت جهانی حضرت ولی عصر (عج الله تعالی و الشریف) بذرها و نهال‌های غرس شده در جریان قیام کربلا به بار خواهد نشست و به برکت آن جان پر از عدل و داد خواهد شد و تمام اهداف انبیای الهی از آدم تا خاتم تحقق خواهد یافت و بشر طعم واقعی صلح و امنیت و سعادت را خواهد چشید.^۴

ب- ویژگی‌های یاران

۱. مجله موعود، ارتباط امام مهدی (علیه السلام) با امام حسین (علیه السلام)، ص ۴۶-۴۷.
۲. حسینی، سلیمان بن ابراهیم، قندوزی، ینابیع الموده، ج ۳، ص ۶۲.
۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.
۴. جمعی از نویسندگان، از فرات تا فرات، ص ۱۰۳.

عاشورای حسینی با عمل کرد افرادی که در آن شرکت داشتند، لوحی جاودانه را به وجود آورد که در آن افرادی از تمام تشکلهای اجتماعی دینی و منطقه‌ای و از تمام سنین حضور داشتند؛ در این نهضت، کوچک و بزرگ، بنده و آزاد، فقیر و ثروتمند، عراقی و حجازی؛ یمنی و شامی، سیاه و سفید، کودک و سالخورده، شیعه و دارای گرایش‌های عثمانی، مسلمان و مسیحی و... شرکت داشتند. عاشورای مهدوی هم، این گونه خواهد بود و نهضت ایشان لوحی عظیم و زیبا در نوع تشکیلات و عناصر و افرادی است که در کار پیروزی دین و یاری آن و هم چنین در برطرف ساختن باطل و فساد از روی کره زمین، با هم همکاری می‌کنند. در روایات صحیحیه در مورد ویژگی‌ها و صفات یاران امام (عج الله تعالی و الشریف) آمده است که آن‌ها اگر نگوییم از تمام نقاط جهان، تقریباً از بیشتر کشورهای اسلامی هستند و سن فرماندهان آنان نزدیک به هم است، اما آنان مانند یارانی که سن و سالشان یکی نیست، هستند. همچنین در میان یاران امام مهدی (عج الله تعالی الشریف) مردان و زنان و مسیحیانی نیز وجود دارند که به آن رهبر و پیشوای الهی می‌پیوندند و در میان آنان از هر جنس و رنگ و طبقه اجتماعی، افرادی هستند و در روایت‌ها آمده است که آنان از کشورهای مختلفند و بعدها در تمامی مناطق جهان پراکنده می‌شوند.^۱

ج- خاندان واحد

هر چند که نسبت‌های خونی، تنهاترین عامل انتقال صفات و خلیات از نسلی به نسل دیگر نیست اما همین عامل یکی از اصلی‌ترین عوامل اتصال صفات و خصوصیات جسمانی و نفسانی از گذشتگان به آیندگان است. یکی از پیوندهای میان عاشورا و انتظار، تعلق شخصیت‌های اصلی آن دو به یک خانواده واحد است که آن، خاندان مطهر اهل بیت (علیهم السلام) می‌باشد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در ضمن معرفی ائمه اطهار (علیهم السلام) می‌فرمایند: «امامان بعد از من دوازده نفرند که نه نفر از آن‌ها از تبار فرزندان حسین (علیه السلام) است که نهمین نفرشان قائم است، این دوازده تن اهل بیت و عترت من هستند. گوشت آن‌ها گوشت من و خون آن‌ها از خون من است.»^۲ امام علی (علیه السلام) روزی به امام حسین (علیه السلام) فرمودند: «نهمین فرزند تو ای حسین، قائم آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است، او دین خدا را آشکار

۱. نعیم، سیر زمان تا صاحب الزمان (علیه السلام)، ص ۸۹-۹۴.

۲. جمعی از نویسندگان، از فرات تا فرات، ص ۹۶-۹۷.

۳. اربلی، کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۹۴.

ساخته و عدالت را در سرتاسر زمین حاکمیت خواهد بخشید...»^۱ در این باره خود امام حسین (علیه السلام) نیز می‌فرماید: «نهمین فرزند من، قائم به حق است خداوند به وسیله او زمین مرده را دوباره زنده خواهد ساخت و دین را حاکمیت خواهد بخشید. او حق را برخلاف میل مشرکان و دشمنان احقاق خواهد کرد.»^۲

د- نقشه جغرافیایی

امام حسین (علیه السلام) از مدینه به سوی مکه بیرون رفت. پس از موسم حج یا در میانه‌های آن از مکه به سوی عراق عزیمت کرد، سپس به کربلا رسید و در آن جا، آن نهضت و شهادت عظیم به وقوع پیوست. پس از آن سر امام حسین (علیه السلام) به همراه اسیران به شام برده شد و آن جا ایستگاه آخر بود. در مورد طرح زمانی حرکت امام حسین (علیه السلام) باید گفت که ایشان در اواخر ماه رجب از مدینه خارج شد، چهار ماه در مکه ماند و تقریباً نیمه‌های ماه ذی الحجه از آن جا خارج شد و حدوداً دوم تا هشتم ماه محرم به کربلا رسید و نهضت و شهادت ایشان در دهم محرم سال ۶۱ هجری بوده است.^۳

نهضت مهدوی هم از نظر زمانی و مکانی این گونه خواهد بود. امام مهدی (عج الله تعالی و الشریف) از مدینه و دقیقاً از بقیع خارج شده و به سوی مکه می‌رود و به حجرالاسود تکیه می‌دهد و یارانش به دور او جمع می‌شوند، سپس از آن جا به سوی کربلا حرکت می‌کند و در آن جا قبر امام حسین (علیه السلام) را زیارت می‌کند، سپس به سوی شام که مقام حضرت زینب (سلام الله علیها) در آن جا است، راهی می‌شود. در این جا مسافتی باقی می‌ماند که امام حسین (علیه السلام) آن را نپیموده بود و آن مسافت میان شام و فلسطین با گذر از طبریا است. بنابر روایت‌ها، امام مهدی (عج الله تعالی و الشریف) سفیانی را در ساحل آن جا به هلاکت می‌رساند. از نظر زمانی هم سفیانی در ماه رجب خروج می‌کند و در ماه مبارک رمضان حادثه صیحه اتفاق می‌افتد و نفس زکیه در همان تاریخی که امام حسین (علیه السلام) از مکه بیرون رفته‌اند، ترسان کشته می‌شود. امام مهدی (عج الله تعالی و الشریف) مدتی منتظر می‌ماند، سپس ایشان روز دهم محرم در سالروز شهادت امام حسین (عج الله تعالی و

۱. صافی گلپایگانی، منتخب الاثر فی احوال الامام الثانی عشر، ص ۴۶۷.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۴.

۳. نعیم، سیر زمان تا صاحب الزمان (علیه السلام)، ص ۹۴ - ۸۹.

الشریف) در سالی فرد، خروج می‌کند، همان گونه که شهادت امام حسین (علیه السلام) نیز در چنین سال هایی بوده است.^۱

۹- مهدی (عج الله تعالی) منتقم خون امام حسین (علیه السلام)

یکی از القاب حضرت مهدی (عج الله تعالی و الشریف) منتقم است. در روایتی که از امام محمد باقر (علیه السلام) نقل شده وقتی از آن حضرت سؤال می‌کنند که چرا فقط به آخرین حجت الهی قائم گفته می‌شود؟ آن حضرت در پاسخ می‌فرمایند:

«چون در آن ساعتی که دشمنان، جدم امام حسین (علیه السلام) را به قتل رساندند، فرشتگان با ناراحتی در حالی که ناله سر داده بودند عرض کردند پروردگارا آیا از کسانی که برگزیده و فرزند برگزیده تو را ناجوانمردانه شهید کردند در می‌گذری؟ در جواب آنها خداوند به آنان وحی فرستاد که ای فرشتگان من سوگند به عزت و جلالم از آنان انتقام خواهم گرفت هر چند بعد از مدت زمان زیادی آن گاه خداوند متعال نور و شیح فرزندان امام حسین (علیه السلام) را به آنان نشان داد و پس از اشاره به یکی از آنان که در حال قیام بود فرمود: با این قائم از دشمنان حسین (علیه السلام) انتقام خواهم گرفت.»^۲

مراد از مظلوم در این آیه، حضرت امام حسین (علیه السلام) است که مظلوم کشته شد و منظور «جعلنا لولیه سلطانا» امام مهدی (علیه السلام) است. امام باقر (علیه السلام) نیز تصریح می‌کنند: «ما اولیای دم امام حسین (علیه السلام) هستیم. هنگامی که قائم ما قیام کنند پیگیری خون امام حسین (علیه السلام) خواهد کرد.»^۳ همچنین روایت شده است که حضرت مهدی (علیه السلام) پس از ظهور بین رکن و مقام برای مردم خطبه می‌خواند و در مهمترین قسمت خطبه به صورت مکرر نهایت اندوه و تأثر شهادت مظلومانه امام حسین (علیه السلام) را مورد اشاره قرار خواهد داد:

«ای مردم جهان منم امام قائم منم شمشیر انتقام الهی که همه ستمگران را به سزای اعمالشان خواهم رساند و حق مظلومان را از آنها پس خواهم گرفت. ای اهل عالم جدم حسین بن علی (علیه السلام) را تشنه به شهادت رساندند و بدن مبارک او را عریان در روی خاک‌ها رها کردند. دشمنان از روی کینه توزی جدم حسین (علیه السلام) را ناجوانمردانه کشتند...»^۴

امام باقر (علیه السلام) می‌فرمایند:

۱. همان.

۲. طبری، دلائل امامه، ص ۲۳۹. صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۶۰.

۳. حسینی بحرانی، برهان فی تفسیر قرآن، ج ۴، ص ۵۵۹-۵۶۰. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۹۰.

۴. یزدی حائری، الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۸۲.

«وقتی که امام حسین (علیه السلام) به شهادت رسید، ملائکه با گریه‌های بلند به درگاه خداوند، ضجه کرده و گفتند: این حسین برگزیده شما و پسر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شما است. خداوند سایه حضرت مهدی (عج الله تعالی و الشریف) را به ملائکه نشان داد و فرمود: «با این قائم، انتقام حسین (علیه السلام) را می‌گیرم.»^۱

در زیارت عاشورا نیز از امام مهدی (عج الله تعالی و الشریف) به عنوان خون خواه امام حسین (علیه السلام) یاد شده است و ایشان را به عنوان ثارالله معرفی نموده است: «خداوند مرا روزی کند که در خدمت حضرت مهدی (علیه السلام) و حق ناطق که از شما خاندان ظهور خواهد کرد، خون شما را مطالبه نمایم.»^۲ امام مهدی (عج الله تعالی الشریف) برای رهایی بشر از چنگال گروه ظلمانی، به مبارزه سخت و گسترده علیه آنها می‌پردازد و طی جنگ‌های شدیدی همه آنها را سرکوب و مغلوب می‌سازد.^۳

۱. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۶۵. طبرسی، اعلام الوری، ج ۱، ص ۶۴.

۲. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۷۷.

۳. جمعی از تویسندگان، از فرات تا فرات، ص ۷۳-۷۴.

نتیجه گیری:

عاشورا و مهدویت پیوند عمیق و دقیقی با یکدیگر دارند. مهدویت تداوم و استمرار عاشورا است و نقش مهمی در انتقام خون امام حسین (علیه السلام) دارد و در روایات آمده است که حضرت مهدی (عج الله تعالی الشریف) منتقم خون جدش اباعبدالله (علیه السلام) می باشد. دلایل پیوند عاشورا و نهضت مهدوی بسیار است که از جمله آنها می توان به هدف و مکتب و خاندان واحد و ویژگی های یاران و ستم ستیزی دو نهضت اشاره کرد. امام حسین (علیه السلام) برای اصلاح امت جدش رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و امر به معروف و نهی از منکر به پا خاست و امام مهدی (عج الله تعالی الشریف) نیز با ظهور خود، تداوم بخش همین هدف خواهد بود و لازم است که منتظران ظهورش پیام عاشورا را درک کرده و بدانند که این دو مکتب یکی است و آمادگی لازم را در خود کسب کنند. عاشورا و مراسم آن همواره نقش مهمی در بیداری مردم و گرایش آنان به سمت اسلامی شدن داشته است چنان که حتی نویسندگان غربی، به این مسئله اعتراف کرده اند. از اهداف هر دو مکتب عاشورایی و مهدوی می توان به عدالت اجتماعی، عدم بیعت با طاغوت و اصلاح جامعه، مبارزه با جاهلیت و... اشاره کرد.

فهرست منابع:

* قرآن

* نهج البلاغه

الف - کتب فارسی

۱. تونه ای، مجتبی، فرهنگ الفبایی مهدویت پیرامون حضرت مهدی (عج الله تعالی الشریف)، قم، انتشارات مشهور، چاپ اول، ۱۳۸۳.ش.
۲. جمعی از نویسندگان، از فرات تا فرات، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج الله تعالی و الشریف)، چاپ چهارم، ۱۳۸۹.ش.
۳. داودی، سعید، عاشورا، ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها، پیامدها، قم، انتشارات علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ۱۳۸۷.ش.
۴. _____ مهدی، رستم نژاد، عاشورا، ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها، پیامدها، به نقل از فلسفه شهادت و عزاداری حسین بن علی (علیه السلام)، امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، چاپ اول، ۱۳۸۴.ش.
۵. دشتی، محمد، پیام‌های عاشورا، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین (علیه السلام)، چاپ سوم، ۱۳۸۱.ش.
۶. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه ها، چاپ سوم، بی تا.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، بیروت، دارالقلم الدارالشامیه، چاپ اول، ۱۴۱۲.ق.
۸. سلیمانیان، خدامراد، فرهنگ نامه مهدویت، تهران، بنیاد فرهنگی مهدی موعود، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۸.ش.
۹. شعاری نژاد، علی اکبر، فرهنگ علوم رفتاری، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۵.ش.
۱۰. شایان فر، علی رضا، دایره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، کتاب اول، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۷.ش.
۱۱. کاشفی، محمدرضا، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۴.ش.
۱۲. معین، محمد، فرهنگ معین، جلد ۲، تهران، انتشارات ادنا، ۱۳۸۱.ش.

ب: کتب عربی

۱. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه، تهران، اسلامی، ۱۳۸۱.ش.
۲. ابن بابویه، صدوق، علی بن حسین، الامامه و التبصره من الحیره، قم، مدرسه الامام المهدی (عج الله تعالی و الشریف)، چاپ اول، ۱۴۰۴.ق.
۳. _____ محمدبن علی، الامالی، تهران، انتشارات کتاب چی، چاپ ششم، ۱۳۷۶.ش.
۴. _____ محمد بن علی، علل الشرایع، جلد ۱، قم، داوری، چاپ اول، ۱۳۸۵.ش.

۵. ابن بابویه، صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، قم، جلد ۳، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ سوم، ۱۴۱۳ ه.ق.
۶. محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، جلد ۱، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۸ ه.ش.
۷. ابن نماحلی، جعفر بن محمد، در سوگ امیر آزادی «مثیر الاحزان»، (ترجمه ی کرمی)، قم، حاذق، چاپ اول، ۱۴۰۶ ه.ق.
۸. ابن قولویه، ابی القاسم جعفر بن محمد، کامل الزیارات، مرتضویه، ۱۳۵۶ ه.ش.
۹. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، جلد ۲، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ه.ق.
۱۰. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، شرح الاخبار فی فضائل الائمه الاطهار (علیهم السلام)، قم جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ ه.ق.
۱۱. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، الغیبه النعمائی، تهران، نشر صدوق، چاپ اول، ۱۳۹۷ ه.ش.
۱۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، جلد ۸، بیروت، دارالفکر لطباعه و النشر و التوزیع، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ه.ق.
۱۳. ابن طاووس، علی بن موسی، الطرائف، (ترجمه ی الهامی)، قم، انتشارات نوید اسلام، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ه.ش.
۱۴. بحرانی، هاشم، مدینه معاجز الائمه الاثنی عشر، جلد ۳، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۳ ه.ق.
۱۵. جمال حسینی، علی، سلیمان بن ابراهیم، قندوزی، ینابیع الموده، جلد ۳، چاپ چهارم، ۱۳۹۳ ه.ش.
۱۶. حسینی بحرانی، هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، جلد ۴، قم، دارالتفسیر، ۱۴۱۷ ه.ق.
۱۷. خمینی، روح الله، صحیفه نور، جلد ۲۱، تهران، انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۹ ه.ش.
۱۸. خزاززای، علی بن محمد، کفایه الاثر فی النص علی الائمه الاثنی عشر، قم، انتشارات بیدار، ۱۴۰۱ ه.ق.
۱۹. راوندی، قطب الدین، سعید بن، هبه الله، الخرائج و الجرائح، جلد ۳، قم، مؤسسه امام مهدی «علیه السلام»، چاپ اول، ۱۴۰۹ ه.ق.
۲۰. شریف قرشی، باقر، حیا امام الحسین (علیه السلام)، بی جا، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، بی تا.
۲۱. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی احوال الامام الثانی عشر، قم، حضرت معصومه (علیه السلام)، ۱۳۷۷ ه.ش.
۲۲. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی اللجاج، جلد ۱، مشهد، انتشارات مرتضی، چاپ اول، ۱۴۰۳ ه.ق.
۲۳. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، جلد ۴، تهران، مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ه.ش.
۲۴. طوسی، محمد بن الحسن، الغیبه، قم، دارالمعارف الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۱ ه.ق.

۲۵. طبری آملی، محمد بن جریر، **دلائل الامامه**، جلد ۱، دارالذخائر، بی تا.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن، **اعلام الوری**، بی جا، ۱۲۷۰ه.ق.
۲۷. عاملی، جعفر مرتضی، **الصحيح من سيره النبي**، سحرگاهان، ۱۴۱ه.ق..
۲۸. عیاشی، محمد بن مسعود، **تفسیر عیاشی**، انتشارات ذوی القربی، (ترجمه‌ی عبدالله صالحی)، جلد ۲، بی تا.
۲۹. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، **کنز الدقایق، وزاره الثقافه و الارشاد الاسلامی**، جلد ۱۱، مؤسسه الطبع و النشر، بی تا.
۳۰. قمی، علی بن ابراهیم، **تفسیر القمی**، قم، دارالکتاب، چاپ اول، ۱۴۰۴ه.ق.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، جلد ۸، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۰۷ه.ق.
۳۲. کوفی، ابومخنف، لوط بن یحیی، **وقعه الطف**، قم جامعه مدرسین، چاپ سوم، ۱۴۱۷ه.ق.
۳۳. لیثی واسطی، علی بن ابی نزال، **عیون الحکم والمواعظ**، قم، کتابخانه مرکز تحقیقات آموزش و پرورش، ۱۳۷۶ه.ش.
۳۴. مجلسی، محمد باقر بن محمدتقی، **محمدباقر، بهبودی، بحار الانوار**، چاپ چهارم، اسلامیه، جلد ۴۴، ۱۳۸۶ه.ش.
۳۵. محمدی ری شهری، محمد، **میزان الحکمه**، (ترجمه‌ی حمیدرضا شیخی)، مؤسسه فرهنگی دارالحديث، چاپ پانزدهم، ۱۳۹۵ه.ش.
۳۶. مفید، محمدبن علی، **الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد**، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، چاپ اول؛ ۱۴۱۳ه.ش.
۳۷. نعیم، بلال، **سیر زمان تا صاحب الزمان «علیه السلام»**، ترجمه‌ی شاهپور حسینی، چاپ دوم، تهران، موعود عصر (عج الله تعالی و الشریف)، ۱۳۸۷.
۳۸. یزدی حائری، علی بن زین العابدین، **الزام الناصب**، جلد ۲، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۲۲ه.ق.

ج- فصلنامه ها

۱. حیدری، غلام رسول، «**افغانستان، فرهنگ، تمدن**»، فصل نامه پگاه اندیشه، سال چهارم، شماره ۶، ۱۳۸۹ه.ش.
۲. ارتباط امام مهدی (علیه السلام) با امام حسین (علیه السلام)، مجله موعود، شماره ۴۲، ۱۳۸۲ه.ش.